

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره ی مبارکه ی همزه

استاد ضرابی

جلسه چهارم ۹۹/۸/۲۸

آیات شریفه: «كَأَلَّا لِيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (۴) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ (۵) - ولی نه قطعاً در آتش خردکننده فرو افکنده خواهد شد (۴) و تو چه دانی که آن آتش خردکننده چیست (۵)»

عنوان: تفاوت جهل و نادانی با گمراهی و ضلالت

میان جهل و ناآگاهی انسان با گمراهی و ضلالت او که ثمره باورها و نگاه غلط به زندگی است تفاوت بسیاری وجود دارد، انسان جاهل به معنای بی‌خبر مستحق عذاب نیست «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا - و ما تا رسول نفرستیم (و بر خلق اتمام حجت نکنیم) هرگز کسی را عذاب نخواهیم کرد.» (اسراء/ ۱۵)

انسانی که دانسته‌های خود را زیر پا گذاشته، حقوق دیگران را رعایت نمی‌کند، نسبت به وظایفی که بر عهده اوست کوتاهی کرده، خود را از مسیر آگاهی‌های لازم نسبت به دین و دنیایش برکنار نگه می‌دارد، یعنی به هدایت اولیه که همه از آن برخوردارند، پایبند نیست، قطعاً از هدایت برتری که ایمان به آخرت و جزا و پاداش الهی است و اجرای احکام شریعت و تحصیل اخلاق فاضله انسانی تمکین خواهد نمود. در نتیجه شایستگی هدایت برتر را ندارد و در وادی گمراهی و ضلالت می‌ماند.

زورت ار پیش می رود با ما با خداوند غیب دان نرود

عنوان: سنت مدارا و مجازات

در زندگی همیشه موافقت و هماهنگی بین آنچه را انسان حق و واقع می‌بیند و برآن آگاه است با خواسته‌ها و تمایلاتش وجود ندارد. بسیاری از امکانات مادی، معنوی، علمی و هنری را در اختیار دیگران می‌بیند که خود از آنها بی بهره است و بجای پیمودن راه شرافتمندانه و تحمل سختی و رنج برای تحصیل آنها اقدام به دست اندازی به حقوق دیگران با تزویر و دروغ و خیانت می‌کند و این به معنای انتخاب راه شیطان و ترجیح آن بر بندگی خداوند است.

این به راه انداختن فساد و تباهی نه تنها در جوامع بشری محکوم و مستحق مجازات است بلکه بطور تکوینی و طبیعی هم خداوند نظام زندگی را طوری آفریده که با آن مقابله می‌کند. مثلاً برای بدن سیستم دفاعی آفریده که با بیماریها مقابله می‌کند و برای برقراری گردش و جریان زندگی در طبیعت و بقای تعادل زندگی حیوانات سیستم کنترل و نظارتی هم قرار داده است.

اما بنابر حکمت الهی همانطور که می‌بینید این نظام دفاعی در دنیا به گونه‌ای جبری و قهری نیست که از انسان سلب اختیار کند. خداوند در کنار « قَدْتَبِینَ الرَّشْدَ وَ مِنْ الْغَى » راهنمایی مبشراً و نذیراً فرستاده و فرموده است: « إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَ أَغْلَالًا وَ سَعِيرًا - به راستی ما راه (حق) را به او نمایان‌دیم، خواه شاکر (و پذیرا) باشد یا ناسپاس. همانا ما برای کفر پیشه‌گان زنجیرها و غل‌ها و آتشی برافروخته آماده ساخته‌ایم. » (انسان/۳)

اما چنانچه این مهلت دادن و ارشادات کفایت ننمود، نظام مجازات او فعال می‌شود و اوضاع را به گونه دیگری سامان می‌دهد

حلم حق با تو مداراها کند چونکه از حد بگذرد رسوا کند

عنوان: آخرین دوا، داغ نهادن است

«كَأَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ» همان نظام قاطع الهی است که از یک سو قاطعانه می‌گوید: «نه چنین است، قطعا در آتش خردکننده فرو افکنده خواهد شد» و از سوی دیگر می‌خواهد واقعیت پیش روی انسان را که درهم کوبنده و شکننده روح طغیان و ویرانگی و قتل و غارت و دیگر پلیدیهاست را از میان برده درمان کند؛ تا اگر کسی با وجود این همه دلایل روشن، شک و تردیدی در آن دارد، عذری نداشته باشد. در واقع معرفی این واقعیات مسلم، بخشی از درمان بیماری‌های روحی انسان است. برای آنان که پند می‌گیرند و تعقل می‌ورزند.

و الا برای کسی که نخواهد هدایت شود به فرموده امیر مؤمنان: «و سَأُْمِسْكَ الْأَمْرَ مَا اسْتَمْسَكَ وَ إِذَا لَمْ أَجِدْ بُدًّا فَأَخِرُ الدَّوَاءِ الْكُيُّ» - به زودی این مسأله را با مدارا حل می‌کنم تا وقتی که مدارا ممکن باشد، و هرگاه چاره‌ای نیابم آخرین دوا داغ نهادن است (و آنان را از دم شمشیر می‌گذرانم.) (نهج البلاغه/ خطبه ۱۶۸)

به لطافت چو برنیاید کار سر به بی حرمتی کشد ناچار

تعبیر «وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ» ضرورت درک بیشتر حطمه را می‌رساند و نمی‌خواهد بگوید شما نمی‌فهمید؛ چرا که اگر چنین بود به معرفی و شرح آن نمی‌پرداخت. می‌خواهد بگوید بدون اخبار و حیانی انسان به تنهایی قادر به فهم آن نیست. پس گوش جان بسپار به آنچه از اخبار غیبی به تو می‌رسد.

اساسا باید بیاموزی که بدون اتصال به منبع هستی مطلق بر هیچ امری قادر نخواهی بود «إِلَهِي إِنْ لَمْ تَبْتَدِئْنِي الرَّحْمَةُ مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ، فَمَنْ السَّالِكُ بِى إِلَيْكَ فِى وَاضِحِ الطَّرِيقِ؟ وَ إِنْ أَسْلَمْتَنِي أَنْتَ لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَالْمُنَى فَمَنْ الْمُقِيلُ عَثْرَاتِي مِنْ كَبَوَاتِ الْهَوَى» - خدایا اگر رحمت تو با توفیق نیکو از ابتدا شامل حال من نبود چه کسی رهنمای من به سویت در این راه روشن می‌بود؟ و اگر مهلت مرا تسلیم آمل و آرزوهای باطل کند، آنگاه چه کسی لغزش‌هایم را از فروافتادن در هوای نفس جبران می‌کند؟» (دعای صباح/ مفاتیح)

تو بخشنده هر گناهی الهی به جز تو نباشد پناهی الهی

به این بنده ناتوانت کمک کن که ابلیس دارد سپاهی الهی

زيك عمر عصيان ، نشانی نماند زرحمت کنی ، گر نگاهی الهی
به نیکی مبدل نمایی بدی را چه خواهی ببخشی گناهی الهی